



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۲/۱۰

خلیل الله ناظم باختري

تحفه های ناظم

(تحفه هژدهم)

شام غریبان

مخمس بر غزل مرحوم "صوفی عشقري"

يا الهی از خروشي بـــــاد و باران نشکند از گزند روزگار و خشم طوفان نشکند
شاخه گل در میان باغ و بستان نشکند همسر سرو قدت نی در نستان نشکند
ساغر عمرت ز گردش های دوران نشکند
از تمام خوبرویان جهان زیبا تر است دلبرم زیباتر از ماه و پری، سیمین بر است
یک قلم آلوده بـــــا مشک و عنبر است لاله رویم را هوای سیر گلشن در سر است
ای صبا هُش کُن که آن زلف پریشان نشکند
در خیال من اگـــــر ذوق تمنایت رسد در نظر گاه تجمل قد و بالایت رسد
بوی خوش از عطرگیسوی دل آرایت رسد نسبت هر گل که با رخسار زیبایت رسد
تا قیامت رنگ آن گـــــل در گلستان نشکند
از پری رویان عالـــــم بیوفایی دیده ام غصه و درد و غم و رنج جدائی دیده ام
نخوت و کبر و غـــــرور و خودنمائی دیده ام از جفا و جورِ شان خیلی کمائی دیده ام
تا ابد بـــــازارِ ناز نازنینان نشکند
نی شفا باشد بـــــرایت نی دوا و نی طبیب نی رفیق و نی شفیق و نی ندیم و نی حبیب
نی به پُرسانت بیاید آل و اولاد و قریب دایما از دل دُعاییت مینمایم ای رقیب
ولچک و زولانه ات در بین زندان نشکند
ناز و نیرنگ و فـــــریب گلرخان از حد گذشت شیوه جور و جفای ظالمان از حد گذشت
ظلم بـــــر احوال زار عاشقان از حد گذشت گرمی بازار این شیرین لبان از حد گذشت
رفته رفته قیـــــمت لعل بدخشان نشکند

دیگر از چرخ حوادث داروی درمان مگیر بعدازین بابای ملت (۱) گوشه پنهان مگیر
 در وطن جنگ است و خود را غافل و حیران مگیر کام دل حاصل نمودن از فلک آسان مگیر
 کی دهد حلوا به کس تاپیک دو دندان نشکند

از فشار فیر راکت بام دکانم فتاد خانه و کاشانه و دهلیز و دالانم فتاد
 زین بلای خانمانسوزی که بر جانم فتاد در میان لای و گل خیر است اگر نانم فتاد
 بوتل تیلیم درین شام غریبان نشکند

جان من بر قوت بازوی و دورانت مناز ما خدا داریم و باشد مرجع راز و نیاز
 سوز ما آه است و آه ما همه سوز و گداز شهنسوار من ز شوخی اینقدر چابک متاز
 زیر پای چاکرت دلهای نالان نشکند

دیده روشن میشود از دیدن روی قمر {ناظما} سیر و تماشا کن بتان عشوه گر
 ما نظربازیم و دارد این نظربازی خطر زین سر ره "عشقری" کی می رود جای دگر
 تا سر خود زیر پای خوبرویان نشکند

این تخمیس وقتی سروده شده، که در کابل جنگ های تنظیمی جریان داشت
 و پادشاه سابق افغانستان در روم بود.

الحاج خلیل الله ناظم "باختری"
 همبورگ - ۱۱ فبروری ۲۰۱۶

^۱ (بابای ملت) منظور شاعر از اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان است (۱۹۳۳ - ۱۹۷۳)